انترناسیونال 808

**ایران در سالی که گذشت**

انترناسیونال می پرسد: حمید تقوایی، اصغر کریمی، مصطفی صابر و نسان نودینیان پاسخ میدهند

**انترناسیونال:** ویژگی های سال گذشته از نقطه نظر شما کدامها بودند؟ چه مولفه هایی سال گذشته را متفاوت کرد؟ پیام تان به کارگران و مردم آزادیخواه در سال جدید چیست؟

**حمید تقوایی** : سالی که گذشت را باید سال کارگر و کمونیسم نامید.

مهمترین ویژگی سال گذشته سربلند کردن و اوجگیری جنبش کارگری در ابعادی اجتماعی بود. جنبش کارگری در واقع پرچمی که خیزش دیماه ٩٦ برافراشته بود را با تجمعات و راهپیمائی ها و اعتصاب سراسری در اهتزاز نگاهداشت. اعتراضات کارگری به سطح شهرها کشیده شد، خانواده های کارگران را بسیج کرد و بمیدان آورد و حمایت بخشهای مختلف جامعه را جلب کرد. راهپیمائی کارگران هپکو، اعتصاب سراسری کارگران راه آهن، اعتصاب سراسری رانندگان کامیون، تحصن و اعتصابات سراسری معلمان، اعتصاب پرشکوه کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز نمونه های درخشان مبارزه کارگران در سال گذشته بودند. اما اهمیت این مبارزات تنها در ابعاد و کمیت آن نبود. در این مبارزات شعارها و خواستهائی مطرح شد و بازتاب اجتماعی یافت که خواست و حرف دل همه مردم بود. مساله فساد و دزدی و چپاول سران و مقامات حکومتی، فلاکت و بیکاری و گرانی، پرونده سازیهای امنیتی و "مستند سازیهای" حکومت علیه زندانیان سیاسی، مساله زندان و شکنجه، دادگاههای اسلامی و غیره، از جمله مسائلی بود که میتوان گفت جنبش کارگری به نمایندگی از اکثریت قریب به اتفاق مردم علیه آن بپا خاست. چهره هائی نظیر اسماعیل بخشی و سپیده قلیان کل سیستم زندان و شکنجه و دادگاههای رژیم را بچالش کشیدند و خواستار مناظره با مقامات در مورد شکنجه و علنی شدن بیدادگاههای اسلامی شدند و به این ترتیب کل جامعه را در برابر سیستم قضائی ضد انسانی حاکم نمایندگی کردند. از سوی دیگر خواست اداره شورائی کارخانه که بوسیله اسماعیل بخشی در دوره اعتصاب کارگران هفت تپه مطرح شده بود بازتاب وسیعی پیدا کرد و به یک گفتمان و خواست عمومی در میان فعالین و درمدیای اجتماعی تبدیل شد. با شعار اداره شورائی طبقه کارگر به مدیران و کارفرمایان مفتخور و دولتشان اعلام کرد: کنار بروید، خودمان اداره میکنیم. این شعار در واقع نه تنها جمهوری اسلامی بلکه هر نوع نظام و دولت جدا از مردم و مافوق مردم را بچالش میکشید .

این تحولات جنبش کارگری را در محور و راس جنبش سرنگونی قرار داد. در دل این مبارزات فعالین جنبش کارگری رودرروی رژیم قرار گفتند و به چهره هائی سرشناس و محبوب تبدیل شدند، گزارش مبارزات کارگری در صدر اخبار قرار گرفت و در جامعه و در رسانه ها و مدیای اجتماعی در داخل و خارج کشور انعکاس گسترده ای پیدا کرد. این یک تحول کیفی و نقطه عطفی در روند جنبش کارگری و رابطه آن با جامعه بود.

یک نتیجه مستقیم عروج جنبش کارگری در سال گذشته، مطرح شدن چپ متشکل و نقش و فعالیت نیروهای کمونیستی نظیر حزب کمونیست کارگری در جامعه و رسانه ها و مدیای اجتماعی و حتی درمیان مقامات و رسانه های حکومتی بود. رژیم از ما کمونیستها بعنوان حامیان جنبش کارگری، متحد کننده مبارزات هفت تپه و فولاد اهواز، نیروی گسترش دهنده اعتراضات و غیره به گمان خود "افشاگری" کرد، و جواب محکمی از جامعه گرفت. مستند سازی "طراحی سوخته" نماد زبونی حکومت و قدرت چپ در جامعه بود. طراحی سوخته نشان داد که اولا جنبش کمونیستی و احزاب کمونیست ارتباط تنگاتنگی با جنبش کارگری دارند و ثانیا تقلاهای زبونانه حکومت علیه کمونیستها نه تنها تاثیری ندارد بلکه به حرکتی به ضد خود حکومت تبدیل میشود.

این نقطه عزیمت شورانگیزی برای ادامه و گسترش مبارزه در سال تازه است. پیام من به کارگران و مردم آزاده ایران در یک کلمه اینست: سازمان پیدا کنید! در مبارزه علیه حکومت و نظام ضد انسانی موجود متحد و متشکل بشوید. خواست وهدف ما مردم، نود و نه در صدیهای ایران، بزیر کشیدن حکومت ضد انسانی جمهوری اسلامی است. خواست واحد سازمانیابی واحد را ممکن و ضروری میکند.

حول نه به فقر و فلاکت، نه به بیحقوقی زن و آپارتاید جنسی، نه به شلاق و شکنجه و سیستم قصاص اسلامی، نه به سرکوب و بازداشت و پرونده سازیهای امنیتی علیه فعالین جنبشهای حق طلبانه، و حول نه به نظام جمهوری اسلامی در هر موقعیتی که هستیم در محله و کارخانه و دانشگاه، متشکل و متحد بشویم. به گفتمان نان آزادی اداره شورائی دامن بزنیم و از مبارزات و اعتصابات جاری در جامعه پیگیرانه حمایت کنیم. مدیای اجتماعی را وسیعا به کار بگیریم، شوراهای سرنگونی را در هر محله و منطقه و شهر تشکیل بدهیم و تجمعات و تظاهرات و اعتصابات سراسری را تدارک ببینیم. و بالاخره فراخوان من به همه مردم آزاده ایران اینست: برای پیشبرد مبارزه درهمه این عرصه ها به حزب خود، به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید!

\*\*\*\*\*

**انترناسیونال:** موقعیت جنبش ما در مقابل جمهوری اسلامی را چگونه ارزیابی میکنید؟ کمبودها و نقاط قوت کدامند؟ برای پیشروی بر کدام مولفه ها باید انگشت گذاشت؟

**اصغر کریمی:** سه جنبش سیاسی در ایران حضور فعال دارند جنبش ملی اسلامی، ناسیونالیسم پرو غرب (یا در واقع جنبش طرفدار دول غربی و مشخصا دولت آمریکا و مشخص تر طرفدار جمهوریخواهان) و جنبش کمونیسم کارگری. جنبش ملی اسلامی جنبشی برای سرنگونی نیست و هرچه جمهوری اسلامی موقعیتی بحرانی تر پیدا میکند و جنبش سرنگونی قوی تر میشود، این جنبش بیشتر موقعیتش تضعیف و بحرانی میشود،‌ نیرو از دست میدهد و بخش هایی از آن تجزیه میشوند و بطرف سرنگونی، اساسا ناسیونالیسم پروغربی، میروند بویژه از خیزش دیماه ۹۶ که جنبش سرنگونی با قدرت در صد شهر کشور به میدان آمد روند تضعیف و تجزیه این جنبش سرعت بیشتری گرفته است. ناسیونالیسم پروغرب، وسیع و پرامکانات است و از حمایت رسانه ها و دولت آمریکا و کم و بیش سایر دول غربی برخوردار است اما پراکنده و بی تحزب است. در سال گذشته تلاش فشرده ای برای بازسازی و سازمانیابی خود شروع کرده است اما تاکنون بجایی نرسیده است. شدیدا تحت فشار فضای چپ و رادیکالی است که در سالهای گذشته در ایران تقویت شده است. در مقابل این فشار بخشا در شعارها و گفتمان های خود به خواست هایی مانند سکولاریسم و علیه اعدام و برخی آزادی های سیاسی تمکین میکند و بخشا بطور عریان تر دشمنی اش را با کمونیسم بیان میکند. هر دو گرایش در اپوزیسیون راست ناشی از پیشروی کارگر و کمونیسم در صحنه سیاسی و اعتراضی در جامعه است.

سال ۹۷ در واقع سال برآمد کارگر و کمونیسم و حزب کمونیست کارگری بود. و این اتفاقی نبود. در سال های گذشته کارگر وسیعا به میدان آمده است. جنبش های حق طلبانه دیگر نیز خودآگاهی بهتری یافته و قدرتمندتر از همیشه عرض اندام کرده اند. خیزش انقلابی دیماه ۹۶ نقطه ای در ادامه ای روند بود. و اعتصابات قدرتمند کارگری و جنبش رهایی زن که با دختران خیابان انقلاب نقش و جایگاه خود را بیش از هر زمان به نمایش گذاشت، ادامه دیماه بود. دی ۹۶ و روند بعد از آن جنبش ملی اسلامی را در ضعیف ترین موقعیت تاریخی خود و کارگر و کمونیسم را در بهترین موقعیت خود قرار داد. اعتصابات قدرتمند با شیوه ها و تاکتیک های درخشان خود که جامعه را پشت خود بسیج کرد و اعتصابات سراسری بخش هایی از مراکز کارگری و معلمان و رانندگان کامیون ها، اعتصاب قدرتمند سراسری در کردستان، تجمعات رادیکال بازنشستگان، تحرکات دانشجویی در همبستگی با کارگران و اسماعیل بخشی، گفتمان های کمونیستی و چپ را به گفتمان اصلی جامعه تبدیل کرد. این اعتصابات چنان جایگاهی داشت که رسانه های بورژوایی را بطور محسوسی پشت سر خود کشاند. و عجین بودن این جنبش با کمونیسم و تاثیرات کمونیسم بر اعتصابات و اعتراضات کارگری، شعارها و گفتمان های آن، چنان آشکار بود که جمهوری اسلامی را به واکنش واداشت و طراحی سوخته را سرهم بندی کرد اما این نیز به برجسته کردن حضور کمونیسم و حزب کمونیست کارگری انجامید. این اولین بار بود که از امام جمعه تا مجلس و صدا و سیما و تعدادی دیگر از رسانه های حکومتی در مقیاس علنی و بطور آشکار و از موضعی کاملا دفاعی به مصاف جنبش کمونیستی آمدند. این بخوبی جایگاه و موقعیت جدید کمونیسم را در ایران نشان میدهد.

هر دو گرایش در اپوزیسیون راست، چه تمکین به چپ و چه شمشیر بستن از رو علیه کمونیسم و عکس العمل جمهوری اسلامی در مقابل کمونیسم، گواه آشکاری از پیشروی کمونیسم در مقیاس اجتماعی و تبدیل شدن آن به وزنه سیاسی مهم و غیر قابل حذفی در فضای سیاسی ایران است که در اعماق جامعه ریشه دوانده است. همه فاکتها و شواهد گویای این است که دوره آتی دوره رشد سریعتر این روند است.

در مقیاس جهانی نیز شاهد فضای جدیدی هستیم و گفتمان سوسیالیستی در حال پیشروی است. یک جغرافیای مهم این گفتمان آمریکا است که تا ده سال قبل حتی اسم بردن از سوسیالیسم در آنجا یک تابو بود. این نیز عامل تقویت کننده ای برای کمونیسم در ایران است و جنبش کمونیستی را در موقعیت تازه ای قرار میدهد.

برای پیشروی بیشتر خیلی کارها باید کرد و من اینجا ترجیح میدهم به یکی از این کارها اشاره کنم. پایگاه اجتماعی کمونیسم بسیار وسیعتر از چیزی است که عرض اندام کرده است. امروز در هر کارخانه و مدرسه و دانشگاهی و در جنبش ها و حرکت های اعتراضی حق طلبانه کمونیسم نقش بارزی ایفا میکند. اما بدلایل مختلف و از همه موثرتر فقدان کامل آزادی عمل کمونیسم و تحزب کمونیستی در یک قرن گذشته، مانع بزرگی بر تصوری است که بسیاری از کمونیست ها از خود دارند. کمونیسمی که رسالت خود را تعیین تکلیف قدرت سیاسی نمیداند و در حاشیه جامعه مانده است. بعضا فکر میکنند که اصلا حزبی لازم نیست چون قدرت سیاسی را مساله خود نمیدانند یا کمونیسم را بطور کلی در این موقعیت نمبینند و همچنان نقش گروه فشار بر احزاب بورژوایی را بازی میکنند. این تلقی را باید عوض کرد و این بخشی از تلاش هر روزه ما است. تلاش ما این است که نه تنها در عرصه تئوریک و نظری و سیاسی بلکه با حضور همه جانبه تر در فعالیت میدانی و در جنبش ها و اعتراضات جاری در جامعه، هژمونی بیشتری کسب کنیم و هم خطی فکری سیاسی و عملی را در بعدی وسیعتر ایجاد کنیم. حزب ما اکنون در موقعیتی است که میتواند و باید نقش موثرتر و همه جانبه تری در این زمینه ایفا کند و این کمبود را بدرجه زیادی رفع کند. و فراخوان من به کمونیست ها و کلیه فعالین رادیکال جنبش های حق طلبانه این است که برای تعیین تکلیف سیاسی جامعه و کسب قدرت سیاسی، باید یک حزب قدرتمند داشت و این نیازی عاجل است. نباید فرصت را از دست داد.

\*\*\*\*\*

**انترناسیونال:** راست و چپ برای اهداف متفاوتی تلاش میکنند. ارزیابی شما از موقعیت این جنبشها چیست؟ جامعه به کدام سو متمایل است؟

**مصطفی صابر:** واضح است که در جامعه ایران شعارها، مطالبات و اشکال مبارزاتی چپ آشکارا دست بالا دارد. اینرا ما روشنتر از همیشه در تحولات سالی که گذشت دیدیم. برای مثال شعار "اداره شورایی" که در اعتصاب کارگران هفته تپه مطرح شد، چنان ابعاد سیاسی یافت که همه را مبهوت کرد. این پیشروی کارگر و کمونیسم نه فقط در چهارچوب ایران که در ابعاد جهانی برای دهه ها بی سابقه بوده است. در عوض راست به طور کلی چندان با اقبال روبرو نیست. یک جنبش مهم راست یعنی جنبش "دوم خرداد" و اصلاح جمهوری اسلامی تقریبا تماما از صحنه خارج شده و قدرت بسیج چندانی ندارد. جنبش دیگر راست، یعنی ناسیونالیسم پروغرب، در فضای سرنگون طلبی که بعد از دی ماه 96 به وضعیت دیفالت جامعه ایران تبدیل شده، البته پیشروی هایی داشته است. اما این پیشروی ها مقطعی و گذرا بوده و هر بار چپ با قدرت بیشتری خودش را مطرح کرده است. برای مثال به یاد بیاورید چقدر بی بی سی و من و تو و دیگر رسانه های راست سعی کردند شعار "رضا شاه روحت شاد" را مطرح کنند و بر سر زبانهای بیندازند، اما هربار یک موج چپ و رادیکال از دل جامعه جوشیده و جلو آمده و اینگونه تلاش ها را کنار زده است. الان میشود گفت که شعارها و آرمانها و گفتمان های چپ چنان مطرح است که راست را در مواردی به دنبال خود میکشاند.

با اینهمه، جدال راست و چپ در جامعه ایران موضوعی سرانجام یافته نیست و نمی تواند هم باشد. چرا که مهمترین مساله امروز جامعه، یعنی تلاش و مبارزه مردم برای رهایی از شر جمهوری اسلامی، سرانجام نیافته است. جدال اصلی چپ و راست اکنون بر متن این مبارزه جامعه معنا می یابد. البته با سرنگونی جمهوری اسلامی هم جدال چپ و راست تمام نمی شود اما تماما وارد فاز جدیدی میشود. در شرایط فعلی جدال اصلی بین چپ و راست اساسا آنجایی صورت میگیرد که هم چپ و هم راست در تلاش است تا به رهبر مبارزه مردم و تلاش جامعه برای سرنگونی جمهوری اسلامی تبدیل شود. این فاز بسیار تعیین کننده است زیرا که موفقیت هر کدام در این مرحله، یا بعبارت دیگر بدست آوردن هژمونی آرمانی و سیاسی و سازمانی در مبارزه مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی، چپ یا راست را در موقعیتی بهتر برای شکل دادن اوضاع بعد از جمهوری اسلامی قرار میدهد.

به اعتقاد من در این جدال چپ از موقعیت بی نظیری برای پیروزی برخوردار است و میتواند به نماینده نه مردم به جمهوری اسلامی تبدیل شود. راست خواهان سرنگونی همه جانبه جمهوری اسلامی و برچیدن کل بساط سرکوب و جهل و جنایت اسلامی نیست. میخواهد تا آنجا که ممکن است دستگاه دولتی و لاقل بخش هایی از آن را دست نخورده نگه دارد. میکوشد تا مذهب و خرافه را تا آنجا که ممکن است حفظ کند و حتی خرافه های جدید ملی و نژادپرستانه ای را به آن اضافه کند. با اداره امور توسط مردم و ارگانهای اعمال اراده مستقیم آنها شدیدا مشکل دارد و آنرا هرج و مرج و نابودی جامعه میداند.از لحاظ اقتصادی هم راست راه حل چندان بهتری از خود جمهوری اسلامی موجود ندارد. میخواهد تقدس سرمایه و مالکیت خصوصی را حفظ کند و ظرفیت چندانی برای تحمل اعتراض و مبارزه کارگران ندارد. منطق جهانی سرمایه حکم میکند که کارگران تا اطلاع ثانوی به ریاضت اقتصادی تن بدهند و خاموش باشند. رفاه و بهداشت عمومی، تحصیل مجانی و غیره این روزها حتی در کشورهای پیشرفته غربی هم مورد تعرض سرمایه داری درگیر یک بحران ساختاری همه جانبه است، چه رسد به جایی مثل ایران. دقیقا همین خاصیت ها و محدودیت های راست است که به آن امکان نمی دهد در سطح جامعه محبوبیت و اقبال وسیع و پایداری بدست آورد. سرنگون طلبی که همین امروز توده وسیع مردم، بویژه کارگران و زنان و جوانان در نظر دارند بسیار فراتر از افق و چهارچوبه هایی میرود که راست میتواند تحمل کند. البته در کنار این نقطه ضعف ها راست یک نقطه قوت بزرگ و مهم دارد و آن این است که طرف حساب و طرف معامله و مورد پشتیبانی قدرت های بین المللی و منطقه ای است. اما حتی برای اینکه از این نقطه قوتش استفاده کند باید بتواند بخش های وسیعی از جامعه را پشت سر خودش بیاورد. و دقیقا همینجاست که راست مشکل دارد.

چپ به نظر من تنها راه حل واقعی جامعه ایران است. تنها چپ و کمونیسم است که میخواهد جمهوری اسلامی را تماما از ریشه درآورد. تنها یک آلترناتیو سوسیالیستی میتواند به خواست های بر حق سیاسی و اقتصادی جامعه جواب دهد. "اداره شورایی" که در جامعه ایران با آن اقبال روبرو شد، در شکل عالی و بسط یافته اش چیزی جز همان حکومت شورایی و جمهوری سوسیالیستی که ما میگوییم نیست. خواستهای سیاسی مردم از آزادی بی قید و شرط سیاسی تا جدایی همه جانبه مذهب از دولت تا خواست های رفاهی و اقتصادی مردم تنها در حکومت انسانی میتواند تحقق پذیرد که حرمت و آسایش انسانها مبنای آنست. البته چپ هم نقطه ضعف های خاص خودش را دارد. مهمترین آن جورنیسم سیاسی و ظاهر نشدن در قامتی است که جامعه از آن می طلبد. اینجاست که نقش حزب کمونیست کارگری برای فائق آمدن بر این ضعف ها و تامین یک رهبری سیاسی منسجم و کمونیستی برای پیروزی مردم ایران تعیین کننده تر از همیشه است.

\*\*\*\*\*

**انترناسیونال:** چه ارزیابی ای از موقعیت نیروهای سیاسی در کردستان دارید؟ سال گذشته کدام نیروها در کردستان نقش اساسی ایفا کردند؟ نقش ناسیونالیسم در تحولات آتی را چگونی می بینید؟ پیشروی جنبش ما در کردستان در گرو چه فعالیتهایی است؟

**نسان نودینیان:** اگر مقصود شما از موقعیت نیروهای سیاسی، احزاب سیاسی است ترجیح میدهم قبل از پرداختن به موقعیت احزاب و نیروهای سیاسی به مهمترین نیروی اجتماعی که البته نیروی مبارزاتی، اعتراضی ــ سیاسی توده های مردم، است بپردازم. از نظر من سال ٩٧ سال تحولات مهم سیاسی ـ اجتماعی در سطح سراسری و در کردستان بود. نیروی مهم و محرک این تحولات کارگران، معلمان، زنان، طرفداران زیست محیطی، ده ها نهاد اجتماعی از طرفدران حقوق کودک(کودکان کار و خیابانی که در کردستان فعال هستند) تا نهاد بخشش و توده وسیع مردم ناراضی از حکومت اسلامی، بوده اند. قبلها ما میگفتیم کردستان "پولاریزه" یا تحزب یافته است، احزاب مسلح هستند و این چاشنی خوبی بود برای برجسته کردن پولاریزیسم کردستان. اما، الان باید بگوییم؛ کردستان تحزب یافته است و اضافه کنیم؛ کردستان توسط ده ها نهاد مدافع حقوق انسانی رادیکال، دینامیک و فعال است. سخنگویان و رهبران کارگر، معلمان، زنان در کردستان عروج کرده اند. ده ها نفر از این طیف و طرفداران و فعالین محیط زیست شخصیتهای شناخته شده ای هستند. به این اعتبار کردستان تحزب یافته و با حضور ده ها نهاد و صدها فعال کارگری، زنان، معلمان و فعالین زیست محیطی و ... صف بندی شده است. احزاب از قدیم و از ٤ دهه گذشته وجود داشته اند و جبهه و صفهای چپ و راست جامعه در سمپاتی و مخالفت با این احزاب تعریف شده است. چپ و کمونیستهای جامعه با مبارزات کارگری جنبش رهایی زن و حاکمیت توده ای و شورایی مردم تداعی و سپس با عروج کمونیسم کارگری شهرها به مرکز ثقل و سازماندهی جامعه تبدیل شد. از دو دهه گذشته و با تبدیل شهرها به مراکز مهم اعتراض کارگر و زنان و بسط مبارزه طبقاتی جایگاه و موقعیت نهادهای اجتماعی از اهمیت بالایی برخوردار شدند.

با توجه به این نکات نیروهای سیاسی یا احزاب سیاسی در سال ٩٧ موقعیت یکسانی نداشته اند. موقعیت سیاسی و اعتراضی جامعه در سطح سراسری قطعا بستری شده است برای دخالتگری چپ و راست جامعه. راست جامعه با تشکیل ائتلاف های مختلف از کنگره ملی کردستان تا ائتلاف ٥ گانه دو حزب دمکرات، دو باند زحمتکشان مهتدی ــ ایلخانی زاده و سازمان اسلامی و مرتجع خه بات با پوشش و چتر عربستان، ترکیه و آمریکا و حزب دمکرات کردستان عراق صف بندی کرده اند. در صف مقابل راست، چپ و یا به بیان روشن تر کمونیسم در کردستان حضور فعال دارد. اطلاعیه مشترک ٥ سازمان و جریان سیاسی و اعتصاب عمومی مردم کردستان در ٢١ شهریور علیه اعدام، و سپس همکاری و انتشار بیانیه مشترک(کنفرانس کلن آلمان) توسط ٤ سازمان سیاسی از اقدامات جدی بود. اما در سال ٩٧ حزب کمونیست کارگری تلاش آگاهانه و برنامه ریزی شده را برای تاثیر گذاری در جهت سازماندهی توده ای اعتراضی انجام داد. اعتصابات چند باره معلمان و استفبال گرم و شکوهمند معلمان از اعتصابات سراسری در ١٢ اردیبهشت، ٢٢ و ٢٣ مهر. ٢٢ و ٢٣ ابان. ٢٥ بهمن و ١٢ و ١٣ اسفند افق اعتراض رادیکال و چپ جامعه را تقویت کرد. اعتصاب و اعتراضات دامنه دار مردم شهرهای بانه، جوانرود، مریوان، سقز علیه بستن مرزها و مارشهای اعتراضی کارگران بیکار و کولبران با نمایش سفره های خالی، اعتراضات خیابانی علیه جاده های ناامن، مارش روز جهانی کارگر در شهر سنندج، مراسمهای با شکوه و رنگین زنان و مردان در ١٧ اسفند روز جهانی زن، جمع آوری امضا و طومار حمایت از اسماعیل بخشی در مراسمهای چهارشنبه سوری و نوروزی جلوه های باشکوه اعتراض و مبارزه در کردستان بوده است. در سال ٩٧ اعتراضات در کردستان با سطح سراسری هماهنگ بوده و این مساله نقطه قدرت و پیشروی کمونیستها در کردستان است.

نقش ناسیونالیسم و موقعیت کمونیسم و چپ در کردستان دو مولفه جدی هستند. به هر درجه حزب ما(حزب کمونیست کارگری ایران) و چپ در کردستان پیشروی داشته، موقعیت ناسیونالیسم کرد ضعیف و حاشیه ای شده است. برای ما کمونیسم کارگری شهرها و مبارزات شهری، اعتصاب و راه پیمایی، تجمع و سازماندهی توده ای، دخالت در سیاسی و رادیکال کردن ده ها نهاد مدنی و اجتماعی، ارتباط روتین با آنها و شخصیتهای مهم سیاسی، هنری و ... مهمترین فاکتورهایی بوده که به آنها پرداخته ایم. برای ناسیونالیستها چشم دوختن به دول غرب و قرار گرفتن در چرخه بازی های دول غربی، راه حلهای از بالا و بند و بست و مذاکره مخفی با آنها و البته با حکومت اسلامی، پروژه هایی است که بکار گرفته اند. در کردستان حزب دمکرات کردستان ایران در راس احزاب ناسیونالیستی و بورژوایی قرار دارد. حزب دمکرات در ارتباط با تحولات مهم اجتماعی و اعتصابات معلمان و مراسم های روز کارگر و روز جهانی زن منشا اثر جدی نبوده است. ناسیونالیسم و کردایه تی و راه حلهای فدرالیستی کماکان شعار احزاب ناسیونالیستها است. اخیرا طیف هایی از به اصطلاح چپ از طیف فداییان خلق همراه با دو حزب دموکرات و دو باند مهتدی ـ ایلخانی زاده تشکل "همبستگی برای آزادی و برابری در ایران" را اعلام کرده اند. جالب این است نام تشکل اینها آزادی و برابری است به این معنی آزادی و برابری شعار چپ و کمونیستها در اعتراضات است، اما اینها در این تشکل راه حل فدرالیستی را پیش کشیده و اعلام کرده اند. این مساله خود گواه و شاهدی است بر موقعیت احزاب ناسیونالیست و راه حلهای آنها. اینها مجبورند با شعار آزادی و برابری اعلام موجودیت کنند و سپس زیر این تیتر فدرالیسم و قومیگری شان را مطرح کنند. و این به این معنی است که کمونیسم در کردستان و راه حلهای کمونیستی ما همسرنوشتی طبقاتی جامعه، حاکمیت توده ای و شورایی و دخالت نیروهای سیاسی و موثر جامعه میرود دست بالا پیدا کند و ناسیونالیستها در تنگنا قرار گیرند. تمامی این فاکتورهای مثبت به این معنی نیست که کمونیسم در کردستان ناسیونالیستها را در صحنه سیاسی ــ اجتماعی بیرون انداخته است. ناسیونالیستها امکانات تبلیغی بیشتری دارند، به اقلیم کردستان و حاکمیت ناسیونالیستی احزاب کرد متکی هستند و از این کانال در مذاکرات و بند و بستهای مخفی با دولتهای منطقه برای راه حلهای ارتجاعی و برقراری حاکمیت از نوع اقلیم کردستان دارند آماده میشوند.

در هر حال سال ٩٧ سال جدل اجتماعی ــ سیاسی کارگران و مردم در کف خیابان و بویژه در شهرها بود. و میدان دخالت و تاثیر گذاری چپ و کمونیستها هم بمراتب بازتر شده است.